

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۱

محتوا و شکل

محتوا و شکل یک جفت مقوله در دیالکتیک ماتریالیستی اند. محتوا عبارت است از تضاد های درونی اشیاء و پدیده ها؛ شکل عبارت است از بیان حرکت متضاد آنها.

هر شیء یا پدیده دارای شکل و محتوا است. مثلاً در مورد شیوه تولید نعم مادی نیرو های تولیدی محتوا و مناسبات تولیدی شکل اجتماعی شیوه تولید است. در مورد صورت بندی اجتماعی: پایه اقتصادی که از مجموعه مناسبات تولیدی تشکیل شده به مثابه محتوا و روبنای اجتماعی شکل محسوب می شود. خط فاصل بین محتوا و شکل یک امر مطلق نیست.

شکل یک محتوای مشخص می تواند خود محتوای شکل دیگری باشد و یا بالعکس. بدین ترتیب، مناسبات تولیدی شکل نیرو های مؤلده محسوب شده و در عین حال محتوایی برای روبنا خواهد بود. گاهی یک محتوا می تواند چندین شکل به خود بگیرد که یکی از آنها شکل عمده و بقیه با حفظ ارتباط نزدیک با اولی و به همراه آن، تکامل محتوا را عهده دار خواهند بود.

غالب نظریات فلسفی ایده آلیستی و متافیزیکی، محتوا را از شکل جدا می کنند. ماتریالیسم دیالکتیک به ما می آموزد که رابطه بین شکل و محتوا یک وحدت دیالکتیکی را تشکیل می دهند. محتوا و شکل متقابلاً به هم مشروط بوده و در یک واحد همزیستی می کنند. هر محتوا در یک شکل معین قرار می گیرد و ضرورتاً هر شکل محتوایی را با خود خواهد داشت. در این وحدت، محتوا جنبه عمده و تعیین کننده را دارد و شکل را تعیین می کند. شکل وابسته به محتوا بوده و مشروط به آن است. با اینحال، محتوا نیز برای آن که بتواند وجود داشته باشد و تکامل یابد، باید شکل مقتضی خود را داشته باشد. بدین نحو، شکل نیز به گونه ای فعال بر محتوا تأثیر می گذارد. یک شکل متناسب می تواند انگیزه تکامل باشد و در صورتی که متناسب نباشد، می تواند به مثابه مانع عمل کند.

در شرایط معینی ممکن است شکل حتی نقش اصلی و تعیین کننده را در تکامل محتوا بازی نماید. تضاد بین شکل و محتوا چنین تظاهر می یابد: محتوا به قدر کافی زنده و متغییر است، ولی شکل نسبتاً ایستا و غیر متحرک است. در پروسه تکامل اشیاء، معمولاً شکل نسبت به محتوا تأخیر دارد و به همین خاطر همیشه بین محتوای جدید و شکل

کهنه تضاد موجود است. به حکم جبری تکامل محتوا اقتضاء می کند که شکل کهنه شکسته شود و شکل جدیدی جای آن را بگیرد.

گاهی محتوای نوین از همان شکل و قالب گذشته استفاده می کند، یعنی شیوه طرد کامل شکل کهنه را به کار نمی گیرند، بلکه از تغییر بخشی از آن کمک گرفته، تضاد بین شکل و محتوا را حل می کنند.

"ما از این که شکل های ادبی و هنری گذشته را مورد استفاده قرار دهیم، به هیچ وجه روگردان نیستیم: ولی این شکل ها درست پس از آن که در دست ما از نو ساخته شده و مضمون نوینی یافتند، انقلابی خواهند شد و در خدمت خلق قرار خواهند گرفت."¹

زمانیکه دیالکتیک شکل و محتوی اقتضاء کنند که ما مسأله ای را مشاهده و حل کنیم، ابتداء باید به محتوای شیء نظر افکنیم و با گرایشات انحرافی از جمله "فرمالیسم" که تنها به فرم (شکل) اهمیت داده و محتوا را به باد فراموشی می گیرد، مبارزه کنیم. فرمالیسم هرگز از واقعیت حرکت نکرده و به دنبال نتایج واقعی نمی باشد و همواره به دنبال استفاده مکانیکی از فورمول های مجرد بوده، به طریقی یک جانبه، قالب های سطحی ظاهر فریب را به کار می گیرد، از جانب دیگر، باید فرم هائی را اتخاذ نمود که در خدمت محتوا قرار گیرند و در مقابل گرایش انحرافی دیگری که تنها به محتوا پرداخته و شکل را به بوته فراموشی می سپارند، نیز مبارزه نمود.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

¹ - مائوتسه دون: "سخنرانی ها در محفل ادبی و هنری بین آن"